

شماره چاپ: ۶۸۲

دوره دهم - سال دوم

شماره ثبت: ۳۲۹

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶/۸/۹

اظهارنظر کارشناسی درباره:
«طرح تشدید مجازات جرائم خشن ارتكابی
علیه بزه‌دیدگان خاص»

کد موضوعی: ۲۴۰

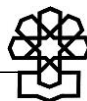
شماره مسلسل: ۱۵۸۶۷

خردادماه ۱۳۹۷

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	ارزیابی طرح
۸	جمع‌بندی و پیشنهاد



اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح تشدید مجازات جرائم خشن ارتكابی علیه بزه‌دیدگان خاص»

چکیده

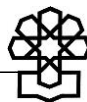
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده (۲۸۶) برخی رفتارهای مجرمانه که دارای تبعات و نتایج گسترده سوئی برای جامعه هستند را در قالب عنوان افساد فی‌الارض جرم‌انگاری کرده است. «طرح تشدید مجازات جرائم خشن ارتكابی علیه بزه‌دیدگان خاص» درصدد آن است تا ارتكاب قتل علیه برخی افراد همچون اطفال یا افراد بالای ۷۰ سال یا معلولین را در قالب الحاق یک تبصره به ماده فوق‌الاشعار از مصادیق افساد فی‌الارض محسوب کند تا مرتکبین این اعمال به مجازات حدی اعدام محکوم گردند. به‌رغم تأکید بر ضرورت حمایت از افراد موضوع این طرح و وجود خلأ قانونی به این منظور، به‌نظر می‌رسد طرح مورد بحث دارای ایرادهای جدی باشد. در این گزارش به بررسی این ایرادات و ارائه راهکارها و پیشنهادهای جایگزین پرداخته شده است.

مقدمه

بزه‌دیده یکی از ارکان پدیده جنایی است که وضعیت وی همواره به‌عنوان عاملی برای تعیین کیفر مد نظر قانونگذاران و مقامات قضایی قرار گرفته و مطابق آن کیفرها تشدید

یا تخفیف داده می‌شوند. وضعیت بزه‌دیده در جرائم جنسی و علیه تمامیت اشخاص جلوه بارزتری می‌یابد و بیش از سایر جرائم آثار و پیامدهای رفتار ارتكابی را نمایان می‌کند و بازتاب رسانه‌ای بیشتری نیز پیدا می‌کند. این امر، ناخودآگاه بر ذهنیت جامعه و امنیت روانی آن تأثیر سوء بر جای می‌گذارد و قانونگذاران را بر آن می‌دارد تا با شدت بخشیدن به کیفر درصدد حمایت از بزه‌دیدگان خاص و رفع التهاب جامعه بر آیند. «طرح تشدید مجازات جرائم خشن ارتكابی علیه بزه‌دیدگان خاص» نیز در همین راستا و با هدف گسترش حمایت کیفری از بزه‌دیدگان خاص در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۳۰ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده است.

شایان ذکر است همان‌گونه که از عنوان طرح نیز استنباط می‌شود، در حال حاضر درخصوص ارتكاب جرائم خشن همچون قتل نسبت به هر فردی اعم از بزرگسال یا خردسال، در قوانین کیفری ضمانت اجراهای لازم که البته نسبتاً شدید هم هستند، پیش‌بینی شده است. با این حال، طرح حاضر با افساد فی الارض محسوب نمودن قتل برخی افراد همچون اشخاص کمتر از ۱۸ سال سعی دارد در مقام تشدید مجازات، با حد تلقی کردن این رفتارها برخی موانع احتمالی عدم اجرای مجازات مانند الزام به پرداخت فاضل دیه، تطمیع یا تهدید اولیای دم به وسیله خانواده قاتل یا نزدیکانش را که منجر به عدم اجرای مجازات قصاص می‌شود، مرتفع کند تا بدین ترتیب مرتکب به‌طور قطع از باب حد به کیفر اعدام محکوم شود. در این گزارش به بررسی ضرورت یا عدم ضرورت تصویب این طرح پرداخته می‌شود.



ارزیابی طرح

طرح مذکور از جهات مختلف حقوقی، فقهی و جامعه‌شناسی قابل بررسی است و لازم است تا به تمامی جوانب آن پرداخته شود. در ادامه به نکات قابل توجه در این رابطه اشاره می‌شود:

۱. بخش عمده‌ای از موضوع این طرح مبنی بر افزودن بر شدت کیفر، تحصیل حاصل است؛ زیرا، در حال حاضر، کیفر جرم قتل، سلب حیات در قالب قصاص است. در صورت اثبات تجاوز به عنف نیز کیفر حدی اعدام پیش‌بینی شده است. حتی در خصوص حمایت بیشتر از اشخاص غیربالغ، قانونگذار بنا به شرایطی، رضایت را مفقود دانسته و زنا با این گروه را ملحق به عنف نموده و از این باب، حتی در صورتی که عنف اصطلاحی محقق نگردد، کیفر اعدام جاری می‌شود.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد که تمامی عناوین مندرج در طرح، در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده و به تناسب شدت جرم ارتكابی کیفرهای نسبتاً شدیدی نیز برای آنها در نظر گرفته شده است و خلأ قانونی در این رابطه وجود ندارد.

۲. مجازات اعدام از کیفرهایی است که باید به نصوص و مسلمات درخصوص آن اکتفا

۱. ماده (۲۲۴) قانون مجازات اسلامی: «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف) زنا با محارم نسبی،

ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است،

پ) زناى مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است،

ت) زناى به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره «۱» - مجازات زانیه در بندهای «ب» و «پ» حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره «۲» - هرگاه کسی با زنی که راضی به زناى با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زناى به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

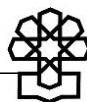
شود. کاربست این کیفر بدون وجود مبنای قابل توجیه، پذیرفتنی نیست. به‌ویژه آنکه در آیات و روایات نیز اصل بر نکشتن است و با گزاره‌های منفی به آن ارشاد می‌کنند.^۱ در کنار این دو منبع اصیل، قواعد فقهی مانند احتیاط در دما نیز مقتضی احتیاط حداکثری در سلب حیات افراد است. از این‌رو، این رویکرد باید در مقام کیفرگذاری و کیفردهی و اجرای آن مطمح نظر قرار گیرد.

۳. مواردی که در این طرح ذکر شده است به‌طور قطعی از مصادیق عنوان افساد فی‌الارض دانسته شده است. از این‌رو در این موارد، حتی قاضی هم نمی‌تواند از آنها عدول کند. در واقع، تشخیص قضایی موارد مندرج در ماده (۲۸۶)، در پناه معیارهای مورد نظر قانونگذار در این طرح، به تشخیص قانونی تبدیل شده که رویکرد سخت‌گیرانه‌تری نسبت به موارد مندرج در آن ماده را در پیش گرفته و از عنوان اصطلاحی افساد به مفهوم مضیق آن خارج است.

افساد فی‌الارض همان‌گونه که از عنوان آن پیدا است، نیازمند نوعی شمول و گستردگی است که در صدر ماده (۲۸۶) نیز به آن اشاره شده و از ملاک‌های مهم آن محسوب می‌شود. با این حال، در این طرح جنایتی فردی و در مورد یک نفر بدون آنکه از این ملاک‌ها برخوردار باشد، ذیل این عنوان قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، وصف فی‌الارض بودن در مورد جنایت‌های مورد نظر منتفی است و از این جهت محتوا با عنوان مجرمانه سازگاری ندارد.

۴. ایراد دیگری نیز بر ترتب عنوان افساد فی‌الارض بر رفتارهای مندرج در طرح وارد است. این جرائم در شرع دارای حکم خاص و منصوص هستند و با وجود این تغییر

۱. «و لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ آیات ۱۵۱ سوره مبارکه الانعام و ۳۳ سوره مبارکه الاسراء.



عنوان آن، مغایر آیات و روایات وارده در این خصوص است. اگرچه در طرح تلاش بر آن بود تا با خروج رفتار از قتل موجب قصاص به اعدام حدی، موانع احتمالی اجرای قصاص را مرتفع کند، اما، خروج آن از قصاص و تلقی حد در مورد آن، با وجود نص صریح، از نظر فقهی می‌تواند محل ایراد باشد و به احتمال قریب به یقین، با ایراد شرعی از سوی شورای نگهبان نیز مواجه شود.

۵. اثر دیگری که از نظر فقهی بر تغییر عنوان قتل موجب قصاص به افساد فی الارض مترتب می‌شود، تضییع حقوق اولیای دم است. مطابق آیه ۳۳ سوره مبارکه الاسراء، ولی‌دم بر قاتل سلطنت می‌یابد و می‌تواند در خصوص قصاص یا گذشت از آن، تصمیم‌گیری کند. تغییر عنوان پیش‌گفته، ولایت را از ولی گرفته و به جامعه منتقل می‌کند. نتیجه آن خواهد شد که باب مصالحه نیز بسته می‌شود. حال آنکه، خداوند در قرآن کریم هر دو باب را باز گذارده و اتفاقاً به مصالحه و گذشت نیز تشویق کرده است.^۱ بدین ترتیب، ولی‌دم نمی‌تواند با توجه به مصلحت خود به گزینش یکی از راه‌های پیش‌رو دست زند و هیچ‌گونه ارفاقی نیز در خصوص چنین فردی پذیرفته نمی‌شود و اعدام راه منحصر است. این اقدام می‌تواند یکی از مهمترین سازوکارهای رفع خصومت در این پرونده‌ها را با بن‌بست مواجه کند. در حال حاضر، یکی از مزایای مقررات مربوط به قصاص در جامعه، افزایش انسجام اجتماعی و پایداری سرمایه اجتماعی است؛ زیرا، افراد و جامعه به‌طور کلی به تلاطم می‌افتند که بین طرفین صلح و سازش ایجاد کنند و این اقدامات گام مهمی در جهت رفع خصومت و بازیابی انسجام اجتماعی است که با انسداد باب مصالحه این مزیت نیز از بین می‌رود.

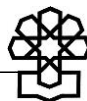
۱. «و لا تَقْتُلُوا النَفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ اِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا».

اگرچه، در این راستا یک مسئله وجود دارد و اینکه با گذشت اولیای دم از قصاص، جامعه هم‌چنان خواستار اعدام چنین شخصی باشد و زنده ماندن چنین شخصی را برنتابد و در این موارد نسبت به قصاص نشدن این فرد واکنش نشان دهد. با وجود این دغدغه، حق اولیای دم را نمی‌توان در عفو و مصالحه نادیده انگاشت. در این موارد، قاضی می‌تواند از اختیارش برای صدور حداکثر کیفر تعزیری بهره برد.

۶. یکی از اهداف طرح، فائق آمدن بر مشکلاتی همچون پرداخت تفاضل دیه است. با پذیرش این نگرانی، قابل ذکر است که قانونگذار با آگاهی به این مسئله در قانون مجازات اسلامی، مقررات لازم را پیش‌بینی کرده است. در این خصوص، مطابق تبصره ماده (۵۵۱) این قانون، دولت موظف شده است که با پرداخت مابه‌التفاوت و مازاد دیه، زمینه اجرای قصاص را فراهم کند.^۱ مقرر دیگر آنست که در راستای اهداف مد نظر این طرح، قابل توجه است، ماده (۴۲۸) این قانون است که تا حد بسیاری با موارد مندرج در طرح انطباق دارد. بر این اساس: «در مواردی که جنایت، نظم و امنیت عمومی را برهم زند یا احساسات عمومی را جریحه‌دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد، با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه، مقدار مذکور از بیت‌المال پرداخت می‌شود». به نظر می‌رسد با وجود این مقررات، زمینه دستیابی به اهداف مورد نظر، محقق است.

۷. در طرح ایراداتی از منظر عناوین مجرمانه به کار گرفته شده نسبت به بزه‌دیده نیز به

۱. تبصره ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی: «در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود».



چشم می خورد. ارتکاب رفتارهایی مانند تجاوز به عنف، شکنجه و اذیت و آزار جنسی پس از قتل، جنایت بر مرده تلقی می شود که قواعد خاص خود را دارد. در خصوص مرده این رفتارها با این عناوین قابل تصور نیست؛ زیرا، در این جرائم بزه دیده باید آزرده گی و عنف بودن را درک کند. حال آنکه میت فاقد این حس و درک است. از این جهت، نمی توان رویکرد مشابهی نسبت به فرد زنده و مرده اتخاذ کرد.

۸. طرح از انسجام درونی برخوردار نیست؛ زیرا، در بند «ج» «کبر سن» از عوامل مشدده تلقی شده و در کنار آن، معیار ناتوانی در دفاع متناسب نیز در نظر گرفته شده است. با این حال در بند «د»، «سن بیش از ۷۰ سال» نیز پیش بینی شده است. همان طور که پیدا است این دو بند با یکدیگر همپوشانی دارند.

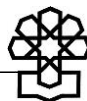
۹. یکی از شقوق مندرج در طرح که قابل توجه است و نسبت به آن مقرره ای در راستای تشدید کیفر به چشم نمی خورد، قتل مجنون است. طبق مواد (۳۰۱) و (۳۰۵) قانون مجازات اسلامی، در این موارد کیفر قصاص به دلیل عدم تساوی در عقل امکان اجرا پیدا نمی کند. شاید در خصوص این بزه دیدگان تغییر عنوان از قصاص به حد بتواند طراحان را به مقصود برساند. با این حال، عدم قصاص عاقل در برابر مجنون از مسلمات فقهی است و نمی توان از روایات رسیده در این خصوص چشم پوشی کرد. بنابراین، راهکار مطلوب، پیش بینی چنین مقرره ای نیست و رفع آن به این وسیله میسر نمی شود. این طرح از این منظر نیز محل اشکال است.

جمع‌بندی و پیشنهاد

«طرح تشدید مجازات جرائم خشن ارتكابی علیه بزه‌دیدگان خاص» در پی رخدادهای بیرونی و با انگیزه پاسخ به مطالبه عموم که بخش عمده آن حاصل بازتاب رسانه‌ای است، مطرح شده است. از این رو، به نظر می‌رسد بیش از آنکه در پی رفع مسئله واقعی و بیرونی باشد، به دنبال آرام کردن التهاب درون جامعه است. نیازسنجی واقعی و مسئله‌شناسی در این خصوص حاکی از بی‌نیازی نظام عدالت کیفری ایران به پیش‌بینی چنین مقرره‌ای است. افزون بر این، با وجود نیت نیک و پسندیده طراحان و اذعان به قباحت رفتارهای مد نظر و خواست جامعه مبنی بر تشدید مجازات مرتکبان این‌گونه جرائم، طرح پیش‌گفته ایرادهای قابل توجهی از منظر حقوقی، فقهی و ساختاری دارد که با وجود آنها امکان نیل به مقصود فراهم نمی‌شود. نگاهی به قوانین موجود نشان می‌دهد که در خصوص عناوین مورد نظر، در قالب جرائم موجب قصاص یا حد پیش از این جرم‌نگاری شده است. میزان کیفر این جرائم نیز، شدیدترین کیفر موجود یعنی سلب حیات است. حتی قواعد مربوط به تعدد در کلیات قانون مجازات اسلامی نیز فروض تعدد میان جرائم ارتكابی را مشخص کرده است. نگاهی به رویکرد نظام قضایی نیز نشان می‌دهد که معمولاً در قبال این‌گونه جرائم تسامح به خرج نمی‌دهد و اعدام‌های صورت گرفته در پرونده‌های اخیر خود شاهدهی بر این امر است.

در واقع، طرح مورد بحث، بدون آنکه نقص یا خلأ قانونی را برطرف کند، در مواردی حتی با گذر از چارچوب‌های فقهی مسلم، به متورم شدن قوانین کیفری منجر می‌شود. با توجه به ایرادهای مطرح شده، تصویب کلیات این طرح مورد تأیید نیست.

تنها مسئله‌ای که در حال حاضر وجود دارد، کیفر مرتکب در فرض عدم اجرای



قصاص نفس است. مطابق ماده (۶۱۲) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، کیفر تعزیری این جرائم در صورت اجرا نشدن قصاص، سه تا ده سال حبس است که سبک به نظر می‌رسد. این کیفر در مواردی که بزه‌دیدگان از وضعیت خاصی برخوردارند، می‌تواند تا حدی نگرانی طراحان را برطرف کند. به این منظور، می‌توان در مواردی که مقتول، دارای وضعیت‌هایی مانند صغر سن، جنون یا معلولیت است، کیفر تعزیری را تشدید کرد. اتخاذ این راهکار، به‌ویژه در قتل مجنون که ابتدائاً نیز امکان قصاص وجود ندارد، می‌تواند عامل بازدارنده مناسبی باشد. در کنار وضعیت خاص بزه‌دیده، در مواردی که قصاص اجرا نمی‌شود و یا قانوناً حکم قصاص منتفی است، میزان کیفر تعزیری به‌گونه‌ای است که بازدارندگی کافی ندارد. به این منظور پیشنهاد می‌شود ماده (۶۱۲) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ به‌ترتیب زیر اصلاح گردد:

هرکس مرتکب قتل عمد شود و به‌موجب قانون حکم آن قصاص نباشد یا

به هر علت قصاص وی اجرا نشود به‌ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف) چنانچه قتل همراه با طرح و نقشه قبلی باشد و مجنی‌علیه کمتر از

پانزده سال تمام شمسی داشته یا به‌علت بیماری روانی یا ناتوانی ذهنی یا

جسمی یا وضعیت خاص مانند بارداری قادر به دفاع از خود نباشد یا در مواردی

که شخصی مرتکب قتل علیه همسر، پدر، مادر، فرزند، خواهر یا برادر خود

شود یا قتل با مشارکت دیگری یا همراه با آزار جسمی یا روانی شدید یا

پاشیدن اسید یا هرگونه ترکیبات شیمیایی دیگر باشد به طوری که موجب از بین رفتن بافت‌های بدن شود، به حبس درجه ۱ تا سی سال؛

ب) در صورتی که هیچ‌یک از حالت‌های مندرج در بند «الف» وجود نداشته باشد، اما فرد با طرح و نقشه قبلی مرتکب قتل شود به حبس درجه ۲؛

پ) در صورت وجود یکی از حالت‌های مندرج در بند «الف» و فقدان طرح و نقشه قبلی، چنانچه مشمول بند «الف» ماده (۲۹۰) باشد به حبس درجه ۲، در موارد بند «ب» یا «پ» ماده (۲۹۰) به حبس درجه ۳ و در موارد بند «ت» ماده (۲۹۰) چنانچه محارب یا مفسد فی الارض نباشد با توجه به نتایج زیانبار جرم، به حبس درجه ۱ تا سی سال یا درجه ۲؛

ت) در سایر موارد به حبس درجه ۴.

تبصره - گذشت از قصاص نمی‌تواند مستند قاضی برای اعمال بند «الف» ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی در تخفیف مجازات تعزیری موضوع این ماده قرار گیرد. مگر آنکه اولیای دم نسبت به این مجازات تعزیری نیز گذشت کنند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۸۶۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح تشدید مجازات جرائم خشن ارتكابی علیه بزه‌دیدگان خاص»

نام دفاتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی)، مطالعات اجتماعی، مطالعات فرهنگی

تهیه و تدوین: سکینه خانعلی‌پور واجارگاه

مدیر مطالعه: سیدمیثم عظیمی

ناظر علمی: جلیل محبی

متقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی

همکاران: آسیه ارحامی (مطالعات فرهنگی)، مهدی نوروزیان (مطالعات اجتماعی)

همکاران خارج از مرکز: سیدمحمد حسینی، غلامحسین الهام، جلیل امیدی، فیروز

محمودی خانکی

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: _____

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. مجازات

۲. جرائم خشن

۳. بزه‌دیده خاص

۴. اطفال



تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۹۷/۱/۱۵

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۹۷/۲/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۳/۵